



قهوه عدلیه در حکومت زمینه ساز

چرخش ۳۶۰ درجه

متحد مرموز

قیمت اخلاص

شلیک شیطان

مصاحبه با رادیو افسران





برای حضرت بائرا

نویسنده: ۱۲ ksjafari

چشمهایم

چشمهایم به دیواری زل زده ، که می گویند تکیه زنان برآن خواهی گفت انا المهدی
انا بقية الله

چشمهایم می دانند، آن روز که بیایی دیگر لبی به شکایت از ظلم زمانه باز نخواهد شد
چشمهایم وقتی می شنوند که می آیی، لبخندی میزند و جهان را پر از مهر و آکنده از زیبایی می بیند
لبخند چشمانم نشان از خستگی در دیدن ظالمانه هاست
لبخند چشمانم دوام چندانی ندارد و به همان دیوار، خشک می ماند
خشک ماندنشان نباید دوام بیاورد
خوب میدانند که دیر نیست منور به ظهورت گردند

گوشهایم

گوشهایم هر صبح جمعه تیز می شود

می داند که ندای انا المهدی ات گوش جهان را فرا خواهد گرفت، تا جهان مرده، با دمیدن صور عدالت دوباره
زنده شود

تا دیگر کودکی، عروسک بدست، زیر بارش مرگ از آسمان ظلم در خواب همیشگی فرو نرود
و چه ذوقی می کند، وقتی می شنود بعد از آمدنت انتقام هرچه ستم است را خواهی گرفت
مشتاق تر می شوم، برای دیدن، برای شنیدن، برای انتظار، برای تلاش، تلاش برای دیدن آنچه شنیده با تو می آید
گوش هایم تیز می ماند

تا شنیدن صدای انا المهدی

که امید دارد کلمح البصر است، او هو اقرب



نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران
شماره ۲۶ - یکشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۴

فهرست

- ۴ کلام نور
- ۵ سرمقاله
- ۶ متحد مرموز
- ۹ اینفوگرافیک
- ۱۰ چرخش ۳۶۰ درجه
- ۱۲ قوه عدلیه در حکومت زمینه ساز
- ۱۳ نگارستان
- ۱۴ سیلی مدارا
- ۱۵ گزارش
- ۱۶ مقاومت (وصیت نامه شهید حریران)
- ۱۷ خاکیان افلاکی
- ۱۸ تاریخ (شورای رهبری)
- ۱۹ غرب وحشی (شلیک شیطان)
- ۲۰ داستانک (لیلا)
- ۲۱ کلیپ
- ۲۲ کاتور
- ۲۴ دزد خوبی
- ۲۶ احکام
- ۲۶ نانوشته
- ۲۷ اخبار افسران
- ۲۸ مصاحبه
- ۳۰ ادبی (شعر)
- ۳۱ برگی از بهشت (اول سال سالکان)

سردبیر:

Baran

همکاران این شماره:

Afsar0313 - Ayandeh110 - Ighalameshghii

Khademoshahid - Ksjafari12 - Mamitavanim92

Matinemami - Miladps3 - Msabpeykar - Msafari

Parandetarin - Peimane - Salam110 - Setia

Sobhanshahidi - Zinat1414

وبلاگ:

<http://www.nashriye-afsanar.mihanblog.com>

رایانامه:

nashrie_afsanar@mihanmail.ir

شماره پیامک:

۳۰۰۰۶۱۳۲۹۳۰۵۲۰

ما را در مسیری که شروع کرده ایم تنها نگذارید.

ایده های خود را در مورد مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برای «نشریه افسران» بنویسید. ما به توانایی های نسل جوان ایمان داریم.

منتظر نقدها و نظرات شما درباره مطالب نشریه هستیم.

اگر عیوب ما را به ما هدیه دهید، دوست داشتنی ترین برادر ما خواهید بود.

مسئولیت مطالب درج شده در مجله به عهده نویسندگان آن است.

استفاده از مطالب مندرج در نشریه تنها با ذکر منبع مجاز می باشد.

هیئت تحریریه از مطالب ارسالی استقبال می کند.

نشریه افسران، خود را جزئی از حرکت مستمر و بالنده انقلاب در رسیدن به تمدن اسلامی می داند، عضو و سرباز کوچک جبهه جنگ نرم در بین خیل نخبگان و فرهیختگان. به کارآمدی سنت علمی، عملی و رهنمودهای بنیانگذار کبیر انقلاب (ره) و رهبر معظم خود (حفظه الله) اعتقاد دارد و راه و روش خود را بر اساس، حفظ، ترمیم و بالندگی انقلاب اسلامی طراحی می کند و حرکت خود را با تکیه بر آن منویات بی بدیل پیش می برد. نگاه ما به تحولات جهانی، نگاهی یکپارچه به گذشته، حال و آینده است، چون معتقدیم بی توجهی به هریک باعث خسران است و استمرار حرکت اصیل اسلامی، در گرو فهم گذشته و مدیریت حال برای تحقق آینده مطلوب است.

این نشریه، درصدد احیاء، تبیین، همسرایی و همکاری مفاهیم انقلابی اسلام در حوزه های سیاسی - اجتماعی برای مخاطب خود است؛ با نگاهی بیشتر و عمیق تر...





اگر با پایان یافتن ماه مبارک رمضان، در اعمال و کردار شما هیچ گونه تغییری پدید نیامد و راه و روش شما با قبل از ماه صیام فرقی نکرد معلوم می شود روزه ای که از شما خواسته اند محقق نشده است.

اگر دیدید کسی می خواهد غیبت کند، جلوگیری کنید و به او بگویید! «ما متعهد شده ایم که در این سی روز ماه مبارک رمضان از امور محرمه خود داری ورزیم» و اگر نمی توانید او را از غیبت باز دارید از آن مجلس خارج شوید! ننشینید و گوش کنید! باز تکرار می کنم تصمیم بگیرید در این سی روز ماه مبارک رمضان مراقب زبان، چشم، گوش و همه اعضاء و جوارح خود باشید. توجه بکنید که به آداب ماه مبارک رمضان عمل کنید؛ فقط، دعا خواندن نباشد، دعا به معنای واقعی اش باشد.

امام خمینی، جهاد اکبر، ص ۳۹



تلاوت قرآن را حتماً داشته باشید؛ هر چه ممکن است. تلاوت قرآن هم، با تأمل و تدبر اثر می بخشد... تلاوت قرآنی مطلوب است که انسان با تدبر بخواند و کلمات الهی را بفهمد، که به نظر ما می شود فهمید. اگر انسان لغت عربی را بلد باشد و آن چه را هم که بلد نیست، به ترجمه مراجعه کند و در همان تدبر کند؛ دو بار، سه بار، پنج بار که بخواند، انسان فهم و انشراح ذهنی نسبت به مضمون آیه پیدا می کند که با بیان دیگری حاصل نمی شود؛ بیشتر با تدبر حاصل می شود؛ این را تجربه کنید. لذا انسان بار اول وقتی مثلاً ده آیه مرتبط به هم را می خواند، یک احساس و یک اشتباه دارد؛ بار دوم، پنجم، دهم که همین را با توجه می خواند، انتباه (توجه) دیگری دارد؛ یعنی انسان انشراح ذهن پیدا می کند. هر چه انسان بیشتر انس و غور پیدا کند، بیشتر می فهمد؛ و ما به این احتیاج داریم

بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۴/۰۷/۱۷



عسکری

قدرت رمضان

به قلم سردبیر: Baran

«بزرگترین درس ماه رمضان، خودسازی است. اولین و مهمترین قدم خودسازی هم این است که انسان به خود و به اخلاق و رفتار خود با نظر انتقادی نگاه کند؛ عیوب خود را با روشنی و دقت ببیند و سعی در برطرف کردن آنها داشته باشد. این از عهده خود ما برمی آید و این تکلیفی بر دوش ماست.» بیانات رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۰/۰۹/۲۵ ماه مبارک رمضان برکات فراوانی دارد و فرصت های نابی را در اختیار انسان قرار میدهد. امام سجاد علیه السلام در دعای ۴۴ صحیفه سجادیه فضایل این ماه را به زیبایی برمی شمارند. از ماه رمضان به عناوین مختلف نام میبرند: شهرالله؛ ماه خداوند که گرچه مالکیت همه ماه ها از آن خداست اما تخصیص این ماه به خدا یعنی خداوند توجه ویژه ای به این ماه دارد و راه برای رسیدن انسان به رحمت و رضوان الهی باز است.

شهر الاسلام؛ ماه تسلیم شدن در برابر خداوند و دوری از گناه.

شهرالطهور؛ ماه طهارت و پاکیزگی روح از زنگارها.

شهر التمحص؛ در تالاسازی وقتی طلا را در بوته آتش می گذارند تا طلای خالص را از نقره یا مس جدا کنند به این کار می گویند تمحص ماه رمضان نیز می تواند انسان را خالص کند. (بیانات رهبری ۱۳۷۳)

شهر القیام؛ ماه قیام برای عبادت خداوند و مقابله با نفسانیات و گناهان است.

در این ماه، بشر - که در میان انواع عوامل و موجبات غفلت از خدا و از راه او محاصره شده و انگیزه های گوناگون، او را به سمت پایین و تنزل و سقوط می کشاند - فرصتی پیدا میکند تا با ظرفیت های این ماه که تحت برخی اسامی آن ذکر شده، روح را که به عروج و اعتلا تمایل دارد، به سمت تعالی سوق دهد و به خدا تقرب جوید و به اخلاق الهی، تخلق پیدا کند. (بیانات رهبری ۱۳۶۹)

تعالی انسان و قرب الهی این توقع را ایجاد میکند که از ضعف های گذشته دور شود و صفات الهی، بیشتر در آینه وجود او منعکس شود. ارتقای قدرت روح انسانی، او را پله پله مخاطب مستقیم «فاستقم كما امرت» قرار میدهد و خوف از هرچیز را از وجود او پاک میکند تا آنجا که مبدل به «نفس مطمئنة» میشود. در اینصورت است که هیچکدام از ابزارهای شیطان نمی تواند بر او و راه مستقیم او به سمت سعادت اثر بگذارد و ضعف و حقارت گریبانگیر او نمیشود.

اگر در مکتب رمضان خوب بیاموزیم و به آموزه ها خوب عمل کنیم، می توانیم از امتحان مکتب عاشورا سربلند خارج شویم. تن به ذلت نداده و برای آسایش فناپذیر مادی، تحقیر را بر خود نپسندیم.

بود و نبود این جهان نه در دست شیاطین بزرگ و کوچک بلکه در ید قدرت الهی ست و اوست که هر گرسنه ای را سیر میکند و هر تشنه ای را سیراب. هر اسیری را آزاد میکند و هر فقر مادی و معنوی را به غنای خود درمان.

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ.. اللَّهُمَّ غَيِّرْ سُوءَ خَالِنَا بِحَسَنِ خَالِكَ.. إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آل سعود و یهود!

نسب و ریشه‌ی حُکام و پادشاهان سعودی به یهودیان بنی‌عززه که در «خیبر» می‌زیستند بازمی‌گردد (۱) و اصل روی کار آمدن آل سعود نیز با حمایت کامل انگلیسی‌ها و یهودیان همراه بوده است و در تاریخ سلطنت آل سعود حمایت آشکار یهودیان از محمدبن عبدالوهاب برای هر خواننده‌ای پیداست و این موضوع تا حدی است که پادشاه جدید آل سعود، حُکام پیش از خود را علناً یهودی خطاب کرد و گفت: «الیهود الله یرحمهم»!

آل سعود نیز به صورت‌های مختلف، حمایت یهودی‌ها از حکومت و سلطنت سعودی را از آغاز به خوبی پاسخ داده است. از جمله‌ی این پاسخ‌ها می‌توان به بخشیدن خاک فلسطین توسط عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن سعود به یهودیان، بدون اینکه حقی برای اعطای ملکی که به او متعلق نیست داشته باشد اشاره کرد؛ به موجب نامه‌ای که عبدالعزیز به دستخط خود در اوایل سلطنتش منتشر می‌کند، یهودیانی که او آن‌ها را با لفظ «مسکین» معرفی می‌نماید و هر شخص یا گروهی که «بریتانیا» صلاح بداند می‌تواند به هر نقطه‌ای از خاک فلسطین که بخواهد مسلط شود، او تأکید می‌کند که تا آخر عمر از تأیید یهود و بریتانیا برمی‌گردد و بر این نظر ثابت‌قدم است! سند دیگری که پاسخ‌گویی مناسب آل سعود به حمایت‌های یهود را نشان می‌دهد اسناد و تصاویری است که در کتاب «تاریخ آل سعود» درج شده و همکاری همه‌جانبه‌ی حُکام آل سعود با «بن‌گوریون» نخستین نخست‌وزیر رژیم جعلی اسرائیل حکایت می‌کند. در این کتاب ۱۰۴۰ صفحه‌ای که با تحقیق و بررسی «ناصر السعید» از نخستین نویسندگان منتقد و معترض اهل عربستان به پادشاهی سعودی در اواخر دهه هفتاد میلادی (در زمان سلطنت ملک فهد بن عبدالعزیز) منتشر شده است، فصلی به بررسی روابط سری و پنهانی حُکام

عربستان، کشوری است با ۲۲ میلیون جمعیت بومی مسلمان و ۵ میلیون جمعیت مهاجر که در اذهان مردم جهان نامش با کلیدواژه‌های نفت، آل سعود و دیکتاتوری گره خورده است. کشوری که قانون اساسی ندارد اما تمام تصمیمات و نظرات پادشاه - ولو مخالف عقل باشد - به منزله‌ی قانون شمرده می‌شود و تنها بر اساس تفسیر به رأی‌های علمای وهابیت از قرآن کریم پیش می‌رود. عربستان سعودی از ابتدای تأسیس مورد حمایت خاص انگلیس و پس از آن آمریکا قرار داشته است و هم‌اکنون با توجه به پیشینه‌ی یهودی حُکام و پادشاهان آن و تولید بیش از ۲۵ درصد نفت خام جهان و اینکه دو مبنای اصلی سیاست آمریکا در منطقه‌ی مهم غرب آسیا (حمایت از تروریسم و مقابله با دموکراسی) به طور کامل در عربستان وجود دارد، یکی از متحدان اصلی آمریکا در منطقه به حساب می‌آید. اما آنچه که هدف این یادداشت می‌باشد بررسی این موضوع است که آیا ممکن است با وجود مطیع بودن همه‌جانبه‌ی عربستان در مقابل خواسته‌های آمریکا و همکاری‌های گسترده‌ی حُکام سعودی با مقامات رژیم صهیونیستی، ائتلاف رسمی عربستان و اسرائیل شکل بگیرد؟ و آیا ممکن است که آمریکا از عربستان سعودی در اجرای سیاست دو ستون نیکسون، به عنوان ستونی در کنار اسرائیل برای مدیریت منطقه استفاده نماید؟ یا اینکه عربستان همچنان یک متحد خوب و رام برای آمریکا و اسرائیل باقی می‌ماند و فراتر از این نخواهد رفت؟

سفر امروز

نویسنده: msafari





سعودی با سران ارشد رژیم صهیونیستی اختصاص داده شده و نویسنده در بخشی با استنادات قوی بیان می‌کند که یکی از حامیان اصلی و البته کاملاً سری و محرمانه‌ی روی کار آمدن رژیم جعلی اسرائیل در فلسطین و حکومتی که به روی کار آمدن اسرائیل در خاک مسلمانان مشروعیت داد، آل سعود است. گفتنی است ناصر السعید پس از انتشار این کتاب، از سوی مزدوران آل سعود ترور شد!

اما هیچ کدام از کشورهای عربی به ویژه عربستان در حالی که با مقامات اسرائیل روابط پنهانی و سری بسیار زیادی دارند و بیان این ارتباطات و دیدارها مناسب این یادداشت نیست، تمایلی به علنی کردن این تعامل در سطح جوامع بین‌المللی ندارند و این موضوعی مهم است که حتی مقامات صهیونیست نیز به آن اذعان داشته‌اند، به گونه‌ای که آموس گیلعاد، از اعضای ارشد وزارت جنگ رژیم اسرائیل می‌گوید: «اسرائیل در پشت صحنه با تمامی دولت‌های



سنی همکاری می‌کند. همه چیز پنهانی است. اعراب هرگز این همکاری را به طور علنی نخواهند پذیرفت و آن‌ها به اندازه کافی در این مورد باهوش هستند.» درباره‌ی نظرات سعودی‌ها در این مورد نیز می‌توان به موضع آن‌ها در قبال حمله‌ی اسرائیل به غزه اشاره کرد که ترکی الفیصل که بارها با مقامات ارشد نظامی و اطلاعاتی صهیونیست دیدار داشته است در زمان حمله به غزه، حماس را مسئول کشتار مردم در غزه دانست و شخص ملک عبدالله پادشاه وقت سعودی نیز از اعلام حمایت از مسلمانان غزه خودداری کرد! در هر حال علنی شدن این ارتباطات هر چند شاید مورد تمایل اعراب باشد اما در حقیقت باعث سقوط بیش از حد آن‌ها در میان مردم و جامعه‌ی مذهبی‌شان خواهد شد و پس از علنی شدن این ارتباط مجبورند تمامی ظاهرسازی‌های اسلامی را کنار گذاشته و واقعا یهودی شوند!!

ائتلاف عربستان و اسرائیل ؟

عربستان از لحاظ اجتماعی، مذهبی و فرهنگی دارای جامعه‌ای به غایت ناهمگون و غیرمتحد است، طوری که صحبت از « هویت ملی » در سرزمین عربستان بی‌نهایت خنده‌دار و مضحک است چرا که اساساً عربستان بر پایه‌ی قبیله‌گرایی اداره می‌شود و حتی در میان ۴ خانواده‌ی اصلی حاکم بر عربستان که از آل سعود ریشه می‌گیرند نیز اختلافات بسیار زیادی در موضوعات حاکمیت، بهره‌برداری از نفت، روابط خارجی، مسائل داخلی و ... وجود دارد که ملک فهد و ملک عبدالله تلاش زیادی انجام دادند تا این اختلافات کاهش پیدا کند اما هیچ وقت این اتفاق رخ نداد.

از لحاظ نظامی عربستان کاملاً وابسته به آمریکا است و البته با مخارجی که در این سال‌ها درباره‌ی تقویت ارتش خود انجام داده است کم‌کم به جرگه‌ی کشورهای وارد می‌شود که بیشترین بودجه نظامی را دارا هستند! از جهت اقتصادی نیز برخلاف تصویر خوب، مرفه و بی‌دغدغه‌ای که از عربستان سعودی در رسانه‌ها منتشر می‌شود، این کشور به شدت درگیر بحران اقتصادی است و اصلاً یکی از دلایل بروز هر از گاهی جنبش اصلاحیه شیعیان در شرق عربستان ناشی از همین بحران‌های اقتصادی است. عربستان از دوران سلطنت ملک فهد (یعنی بیش از ۳۰ سال) دائماً دچار کسری بودجه است و در حال حاضر ۲۰۰ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد! علاوه بر فساد گسترده‌ای که در ارکان مختلف پادشاهی سعودی توسط ۷۰۰۰ شاهزاده حاکم بر شئون مختلف اداری، سیاسی، اقتصادی، نظامی، مذهبی و ... کشور عربستان وجود دارد، ساختار اقتصادی این کشور را به شدت متزلزل، بی‌هدف و فاسد کرده است.

از لحاظ مذهبی نیز سال‌هاست که وهابیت، شکاف عمیقی میان مسلمانان شیعه و سنی در این کشور پدید آورده و تعامل و ارتباط پیروان این دو مذهب بزرگ را دچار مشکل جدی نموده است. مشکلات اخیر نیز که پس از آغاز تجاوز به یمن و قتل عام در آن در میان دربار و کشور عربستان به وجود آمده است، بر مشکلات فوق افزوده و آل سعود را به مشکلاتی جدی‌تر از آنچه که تصورش را می‌کرد وارد نموده است. بنابراین ائتلاف رژیم جعلی اسرائیل با چنین کشور پر از بحرانی در منطقه، نمی‌تواند به صورت رسمی شکل بگیرد و محتمل است که همکاری این دو رژیم سفاک در حد و حدودی که پیش از این بوده، ادامه پیدا نماید و به ائتلاف علنی تبدیل نشود.

دو ستون برای ایجاد ژاندارمری در غرب آسیا ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور مستعفی آمریکا در سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ بوده است که نظریه‌ی معروف به «سیاست دو ستون» از او به یادگار مانده است. سیاست دو ستون در واقع دربردارنده‌ی چند اصل مهم است: ۱. تقویت قدرت‌های منطقه‌ای از جهت نظامی برای جلوگیری از بروز یک قدرت برتر (در واقع توازن میان قدرت‌ها). ۲. عدم ورود به بحران‌ها و مسائل نظامی به صورت مستقیم و فروش سلاح به کشورهای درگیر در جنگ با هدف تقویت ساختار اقتصادی درونی آمریکا. که به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها در حال حاضر این سیاست را در منطقه‌ی غرب آسیا به وسیله‌ی رژیم جعلی اسرائیل و دولت ترکیه اجرا می‌نمایند.

منابع:

روابط اسرائیل و عربستان:

www.entekhab.ir/fa/n

[/www.mashreghnews.ir](http://www.mashreghnews.ir)

ائتلاف آل سعود و اسرائیل بر علیه ایران www.alhramain.com/ne

ارتباط آل سعود و یهود: jahannews.com/vdcjvm

ناصر السعید نویسنده ای که بخاطر افشای همکاری های سری آل سعود و یهود، به

دستور ملک فهد ترور شد ar.wikipedia.org/wik

بخشیدن فلسطین توسط عبدالعزیز بن سعود به یهود و بریتانیا www.shia-news.com/fa

مشکلات و مسائل داخلی گریبانگیر آل سعود و همچنین اختلافات با کشورهای

عرب منطقه:

www.alhramain.com/ne

[/www.payam-aftab.com](http://www.payam-aftab.com)

سیاست دو ستون نیکسون در منطقه: www.farsnews.com/new

پیشینه ای درباره سیاست دو ستون نیکسون و سرانجام اجرای اون درباره ایران و

عربستان در دوره پهلوی هست ?iichs.org/index.asp

اما دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد آمریکا به عربستان سعودی به عنوان یک ستون نمی‌تواند اعتماد کند: ۱. عربستان در میان کشورهای عرب از نفوذ زیادی برخوردار نیست و مشکلاتی با کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله قطر، امارات و کویت دارد که هیچ‌گاه حل نشده‌اند. ضمن اینکه مشکلات عربستان با ایران همچنان بعنوان یک مانع سر راه این کشور قرار دارد که بتواند مبتنی بر سیاست دو ستون، در امور نظامی و حتی اقتصادی کشورهای دیگر دخالت مستقیم نماید (آنچنان که اجرای این سیاست در زمان پهلوی، به ایران این اجازه را داده بود که در کشورهای دوردست، به نفع دولت‌های حاکم بر کشورها دخالت مستقیم نظامی انجام دهد). ۲. ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی عربستان سعودی (آنچنان که پیش از این توضیح دادیم)، او را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای معرفی نمی‌کند یا به زبان ساده‌تر هیچ کدام از کشورهای منطقه عربستان سعودی را به عنوان قدرت منطقه‌ای نمی‌شناسند؛ در قضایای اخیر یمن که عربستان در پی ایجاد یک ائتلاف منطقه‌ای بر علیه یمن بود، پاکستان و ترکیه از این ائتلاف خود را کنار کشیدند و هیچ کمکی در این راستا انجام ندادند. بنابراین تکیه به رژیم آل سعود بعنوان یک ستون نمی‌تواند مطمح نظر آمریکا باشد. ۳. بحران‌های مختلفی که عربستان هم‌اکنون درگیر آن است به هیچ وجه نمی‌تواند برای آمریکا رضایت‌بخش باشد؛ بنابراین دوشیدن عربستان از این طریق! توسط دولت آمریکا و ادامه‌ی جنگ در میان مسلمانان و خونریزی بیشتر می‌تواند به اهداف استکباری آمریکا نزدیک باشد تا انتخاب عربستان به عنوان ژاندارم منطقه و حافظ منافع آمریکا در غرب آسیا! در نهایت به نظر نگارنده می‌رسد که عربستان سعودی همچنان بعنوان یک هم‌پیمان و متحد مرموز (عبارت متحد مرموز توسط ریچارد نیکسون برای عربستان انتخاب شده است) برای آمریکا و اسرائیل در منطقه باقی بماند و نقش او فراتر از آنچه که حال حاضر هست نرود و در عوض، ترکیه (به دلایلی که فرصت بررسی آن نیست) بعنوان ستونی در کنار اسرائیل در منطقه غرب آسیا، پیگیر و دنباله‌رو اهداف آمریکایی‌ها باشد و این سیاست همچنان در منطقه ادامه داشته باشد اما نه با دخالت دادن عربستان در آن، چرا که بزرگ‌ترین نقش پیش‌بینی شده برای عربستان مشروعیت دادن به تروریسم در منطقه و حمایت پنهان از آنها است.





نهال انقلاب هنوز قوام نیافته بود که مردم شاهد شهادت و سوقصد به جان یاران اصلی امام و همراهان صف اول انقلاب اسلامی بودند که دشمن یکی پس از دیگری آنها را هدف قرار داده و مردم را داغدار این بزرگان می کرد.

کاملاً واضح است که گزینه های هدف از اعضای اصلی هسته مرکزی نظام جمهوری اسلامی بودند. در این برهه ملت ما افرادی همچون مطهری ها، بهشتی ها و باهنرها را از دست می دهد. اما سوالی که شاید پیش بیاید این است که چرا این افراد؟ آیا حذف گزینه ها و وزنه های سنگین، دشمن را به هدف رساند؟

باشد که در فرهنگ لغت آنرا قتل سیاسی ترجمه کرده اند. اما در تعریف ترور باید گفت هدفش تنها حذف فرد مورد نظر نیست و علاوه بر آن در صدد ایجاد رعب و وحشت است، ایجاد ترس در یک جامعه و یا یک ایدئولوژی با حذف یکی از مهره های اصلی آن و بازداشتن سایر اعضای جامعه و یا پیروان ایدئولوژی از ادامه راهشان. تروریست های داخلی در آن زمان سعی داشتند با حمایت خارجی ها مردم را از همراهی انقلاب و نظام اسلامی منصرف کنند و به براندازی نظام تازه پاگرفته جمهوری اسلامی دست

نویسنده: sobhanshahidi

چرخش درجه تغییر سبک حذف گزینه های اصلی نظام اسلامی توسط دشمنان

یابند. با نگاهی به افراد مورد حمله قرار گرفته می بینیم که دشمن هدفش را بسیار صحیح انتخاب کرده بود. هر نهضت در حین شکل گیری اعضای اصلی دارد که تشکیل دهنده هسته اصلی نهضت هستند و نهضت از طرف آنها هدایت و یا فرماندهی می شود. ویژگی افراد هسته اصلی باید خاص و متفاوت از دیگران باشد. افرادی با ایمان به هدف و مسیر رهبر نهضت، افرادی فعال در عرصه های مختلف، سازنده و کوشا، چرا که سازه اصلی و بنیان فکری و حرکتی یک نهضت را همین افراد تشکیل می دهند و این همان راهی است که دشمن را به خواسته خود می رساند؛ حذف گزینه های اصلی نظام اسلامی، کسانی که علاوه بر نظریه پردازی، افرادی کارآمد و پرسود برای بالندگی انقلاب بودند.

ترور نخبگان، بهترین راه برای خالی کردن دور امام امت و در نتیجه ناکارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی با حذف سکنداران این کشتی تازه به دریا افتاده بود. اما چرا با این ترورهای هوشمندانه، نظام اسلامی از راه خود بازناپستاد و تئوری قتل سیاسی، اهداف دشمن را محقق نساخت؟

می توان گفت دلیل اصلی آن هدایت الهی و هوشمندی مردم و ایمان بالای آنها به نهضت و راه پیش رو بود. چراکه آنها نظام امت و

چرا اندیشمندی همچون مطهری؟ چرا دولتمردی چون رجایی؟ چرا سوقصد به جان آیت الله خامنه ای؟ آیا این هدف باقیست؟ اگر باقیست این روزها هم باید شاهد ترور و حذف افراد باشیم؟ و سوالهای بسیاری که شاید جوابهایشان معلوم باشد اما به آن تا به حال فکر نکرده باشیم. ابتدا ببینیم «ترور» یعنی چه؟

ترور چیست؟ واژه ای که امروزه کمتر کسی با آن غریبه است و مصداق های بارزی از ترورهای مختلف را بسیاری از مردم دیده اند.

واژه «terreur» واژه ای فرانسوی به معنای ترس و یا ایجاد ترس کردن است که البته این واژه در فارسی معادل «assassin» در انگلیسی می

این جهالت دشمن هایمان هم جنس جهل آبائشان در صدر اسلام است که قرآن درباره شان فرموده :
يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ
لِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ... (منافقون - ۸)

امامت را پذیرفته بودند و به دنبال حفظ آن بودند. اعتقاد به هدف، انسان را از ایستادن و منصرف شدن باز می دارد.

اما آیا دشمن از هدف اصلی خود منصرف می شود؟ خیر؛ هدف همچنان باقیست و حذف افراد و حامیان اصلی نظام اسلامی هنوز هم در دستور کار دشمن و ایادی آن قرار دارد؛ چراکه نظام بدون قدرت و ساختمان محکم نظامی ضعیف و ناکارآمد است یعنی همان که دشمن می خواهد. یعنی حذف گزینه های اصلی هنوز هم ادامه دارد اما این بار نه در مجلس ، نه در جلسات هیات دولت ، نه در محراب نماز جمعه بلکه آنها می خواهند افراد را این بار از اذهان مردم پاک کنند. ترور به روش قبل نه تنها اثر مثبت نداشت بلکه روحیه انقلابی و شهادت طلبی مردم را دوچندان کرد پس باید به دنبال راهی بود تا این افراد در قلب مردم و در ذهن آنها کشته شوند، باید مردم را نسبت آنها بدبین کرد. باید بی اعتمادی بین مردم و آنها فاصله ایجاد کند. باید ترور مجازی داشت. این بار محل عملیات در فضای سایبر است و مهمترین ابزارهم رسانه می باشد. دراهمیت این سلاح همین بس که بسیاری از شهرها و جوامع را می توان با آن بهم ریخت و شلوغ کرد.

امروز در قالب شایعه سازی های مختلف و یا

تسخیر بزرگان شاهد سعی دشمن بر تحقیر، بی اعتمادسازی و بی اعتنایی مردم نسبت به آنها می باشیم . شایعاتی که می خواهد القا کند هسته اصلی نظام اسلامی افرادی ظالم و دیکتاتور هستند. به فکر مردم نبوده و عدالت اجتماعی ذره ای برایشان مهم نیست و با آزادی های مردم مخالفند. روش دیگر افراطی نشان دادن این بزرگان است که سعی دارند با ایجاد گپ هایی از جنس ترس و وحشت بین مردم و این یاران جدایی اندازند که مثلا : «فلانی اصلا به حق مردم در اداره حکومت اعتقاد ندارد. نکند روزی حرفش را گوش کنید»

باید گفت این روزها سبک ترور دشمن تغییر کرده سعی دارد به جای اینکه دلارهای خود را هزینه سلاح و انفجار کند کارش را با تخریب و جنگ روانی پیش ببرد، با سلاح هایی همچون وب ، شبکه های اجتماعی و ارتباطی و این تغییر جهت دشمن و انصراف از حذف افراد همان گرایبی را می زند که توپخانه ترور او در سالهای اول انقلاب می زد. دشمن تغییر شیوه داده اما هدف هنوز همان هدف است. یعنی تغییر مسیر با زاویه ۳۶۰ درجه ! چقدر



قوه عدلیه در حکومت زمینه ساز

نویسنده: matinemami

سازوکار توانا در ایجاد و برقراری قسط و عدل در جامعه و حکومت است. سازوکاری که از قانون‌گذاری تا اجرای قوانین قضائی و حقوقی، باید طبق اندیشه‌های اسلامی، با معیار عدالت اسلامی و هدف رسیدن به حکومت عدل الهی باشد.

اگر در مرحله قانون‌گذاری تبعیض گذاشته شود و ملاک‌های عقلی، ارزشی، انسانی و اخلاقی در آن رعایت نگردد، در مرحله اجرا، تحقق عدالت غیرممکن خواهد بود. عدالت اسلامی، به معنای عدم تبعیض و کمک به مردم محروم و ضعیف. عدالت، یعنی اینکه برنامه‌ها و حرکت کلی کشور، در جهت تأمین زندگی مستضعفان باشد تا آیه کریمه: **رُئِدُ أَنْ مِّنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا ... (قصص - ۵)** تحقق یابد. حکومتی می‌تواند مدعی قانون‌گذاری بر اساس عدل و برقراری عدالت باشد که: جلوی کسانی که با تکیه بر فریب و زور و یا بر اساس کارهای ناصحیح و مبتنی بر عقل‌های مادی و منحرف از معنویت، توانستند به چیزهایی که حق آنها نبوده است، دست پیدا کنند، گرفته شود و فرصتی برای ادامه کار خود پیدا نکنند، [این یعنی] عدالت تحقق پیدا کرده است. این یک معیار کلی و البته حقیقی است. ولی از دید اعضاء جامعه، ملاک عدالت، عدالت قضائی است، چیزی که آرزوی جوامع گوناگون بشری است.

چنانچه دستگاه قضایی از استقلال، اقتدار، اعتبار و شایستگی‌های لازم برخوردار باشد و داوری و قضاوت میان مردم را بر اساس قوانین و با توجه کامل و بدون تبعیض انجام خواهد داد. قضاوتی که هدف آن ممانعت از تضییع حقوق انسان‌ها است. در حقیقت، عدالت قضایی، عدالتیست در گستره اجرای قوانین و معیار سلامت کشور. اگر دستگاه قضایی سالم بود می‌توان نتیجه گرفت که وضع عمومی جامعه و کشور از جهت برخورداری از عدالت و دوری از تبعیض و ستم و تجاوز سالم است؛ مبانی واحکام حکومتی اسلام، این درس مهم را به دنبال می‌آورد که تحقق عدالت در جهان، با موعظه و نصیحت ستمگران، حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند برخورد مقتدرانه با زورگویان جهانی است.

با استفاده از بیانات مقم معظم رهبری (حفظه الله): دی ۲۷ - ۱۳۷۳ - ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۸ - ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۵.

والا ترین آرمان بزرگ انسانی، عدالتی است که از آدم تا خاتم و حتی اوصیاء آنها، زندگی خود را صرف بر قراری آن به واسطه ایجاد حکومت، کرده‌اند. حکومتی که ليقوم الناس بالقسط باشد. عدلی که خواستگاه الهی دارد و خداوند وعده آن را با حکومت مهدوی و سیره نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) داده است و در دعای افتتاح می‌خوانیم: **«اللهم و صل علی ولی امرک القائم المؤمل و العدل المنتظر»؛** خداوندا! به ولی امر خود درود فرست؛ همان که قیام‌کننده آرمان و عدالتی است که همگان انتظارش را می‌کشند.

هرچند چالش‌ها و مسائل گوناگونی وجود دارند که جامعه ما در جهت زمینه‌ساز و فراهم آوردن شرایط اقامه عدل و قسط با آنها روبه‌روست اما؛ ایجاد حکومتی در راستای تحقق حکومت آرمانی مهدوی، باید همراه با شاخص برجسته‌ای به نام عدالت، زمینه‌ساز و فراهم آورنده شرایط سازنده و پویا در جهت نزدیک شدن به آرمان‌های حکومت جهانی موعود باشد. آنچه این روند را توسعه می‌بخشد، آگاهی، شناخت، درک صحیح و داشتن تصویری روشن از مبانی و شاخص‌های دولت اسلامی به ویژه شاخص عدالت است.

بشر در سایه پذیرش عدالت و تعهد به جامعه، به سعادت دست می‌یابد. از این‌رو، باید پایه‌های اصلی جامعه و ارکان مدیریت که در همه زوایای اجتماعی تأثیر مستقیم دارد و جهت حرکت جامعه را مشخص می‌کند، عادلانه باشد تا کل روابط اجتماعی در تمامی زمینه‌ها رنگ عدالت و دادگری به خود گیرد؛ زیرا تمامی ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به شدت متأثر از میزان تأمین عدالت در جامعه هستند.

رسیدن به جامعه و حکومت اسلامی و مهدوی، یک حرکت معنوی است که باید با رشد کمی و کیفی به آن نزدیک شد و آن را ساخت. اگر در جامعه مقدمات، متناسب با هدف باشد، یعنی اندیشه و ارزش‌های اسلامی - مانند: عدل، تقوا، فضیلت، اخلاق، دین‌داری، زهد و ... - را متناسب با اهداف پرورش و گسترش دهیم، آن وقت قدم به قدم جامعه خود و زمان و تاریخ خود را به تاریخ ظهور حکومت آرمانی نزدیک‌تر کرده‌ایم.

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب (حفظه الله)؛ عدالت در دولت کرامت‌محور زمینه‌ساز، و شاخص اصلی است. که لازمه آن وجود





سیدامدارا

نویسنده: matinemami

جبهه داخلی علیه پیامبر را تشکیل داده بودند، به دلایل گوناگون سیاسی و اجتماعی با مدارا رفتار کرد و تا آنجا که ممکن بود با گفت‌وگو و با عهد و پیمان سعی در زندگی مسالمت‌آمیز در کنار هم داشت، اما وقتی آن‌ها پا را فراتر نهاده، قبایل و حکومت‌ها مخالفت با عقیده را تبدیل به دشمنی و خیانت و نقض پیمان کردند و عناد آنها مشخص شد، نفاق و فتنه‌انگیزی‌ها در میان مسلمانان برای براندازی اساس حکومت و دین اسلام شد، پیامبر شیوه مدارا را کنار گذاشت و به شدت با آن‌ها برخورد نمود؛ همانند به آتش کشیدن مسجد «ضرار» که منافقان تصمیم داشتند با توسل به قرار دادن مذهب در مقابل مذهب، به جامعه نوپای مسلمانان ضرر بزنند، که پیامبر به دلیل زیان رساندن به مسلمانان، تقویت کفر، تفرقه میان مؤمنان و ایجاد پایگاهی برای محاربان، آن را به آتش کشید. مدارا در تعامل با مخالف و معاند زمانی معنا می‌یابد که اصل اساسی اسلام که بر رفتار ارتباطی ملی و بین‌المللی طبق رحمت، محبت و شفقت که هدف آن جذب و هدایت به حقانیت باشد را مراعات کنیم نه اینکه با چشم پوشی از خطا و سازش با دشمن به واسطه کوتاهی از اصول و حقوق مردم و حکومت اسلامی ارکان استقلال و استحکام نظام و حکومت اسلامی را بلرزانیم. درست است تا آنجا که امکان دارد، باید مدارا و از خطاها چشم‌پوشی کرد، اما وقتی مخالف، اساس نظام و اصول تغییرناپذیر حکومت اسلامی را هدف قرار داد و به اقدامات عملی در این راه دست زد دیگر مدارا و مسامحه جایی ندارد.

اما سعی می‌کنند که این اصول اساسی اسلام، درباره نحوه تعامل و مدارا با مخالف، منافق، فتنه‌انگیز و دشمن، را خدشه‌دار کنند و مدارای به معنای ملاطفت، سعه صدر، گذشت و تحمل و برخورد مؤدبانه با مخالف را به آنچه امروزه به واژه تولرانس «Tolerance» معنا می‌شود، تغییر دهند، واژه‌های به معنای تساهل و کوتاه آمدن از اعتقاد، اصول و حق خود، یا اینکه سعه صدر، گذشت و تحمل و برخورد مؤدبانه با مخالف را به بی‌تفاوتی نسبت به عقاید مخالف معنا کنند و شعار «مدارا با اعتقاد ورزان است، نه با اعتقادات» (عبدالکریم سروش، مدارا و مدیریت - ص ۳۱۰) سر دهند. ملتی که دشمن و اصول شناخت دشمن او تحریف شود و اصول مدارای با مخالف، که فقط مخالف تفکر و اندیشه نظام حاکم و جامعه است را، به مدارای با دشمن و خائن تبدیل کنند، در نهایت وابستگی سیلی خواهد خورد و مجبور به عقب نشینی از اصول، اعتقادات و حقوق اساسی خود خواهد شد.

در ارتباط بین افراد جامعه یا حکومت‌ها در جامعه بین‌الملل، نظرهای موافق و مخالفی در نحوه تعامل یا رفتارهای استقلالی حکومت‌ها وجود دارد که ناشی از اصول، اندیشه‌ها، تفکرات و تمایلات متفاوت است. که طبعاً این اختلاف نظرها باعث برخوردهای متفاوت اعضای جامعه جهانی می‌شود.

صرف‌نظر از انگیزه مخالفت‌ها و چرایی آن‌ها، نحوه برخورد حکومت‌ها با رفتارهای مخالف با اندیشه حکومتی خود، قابل بررسی است و مطمئناً نحوه تعامل با مخالف یا معاند در روابط بین‌الملل در استقلال و وابستگی، خسران و رستگاری حکومت‌ها اهمیت بسیاری دارد.

در حد یک پاسخ مکفی، به این سوال که: نحوه تعامل یک نظام و حکومت اسلامی با مخالف یا معاند با تفکرات اسلامی و استقلالی چگونه باید باشد؟ گفته خواهد شد: هرچند عده ای با تمسک به شاعرها و سخنوران، با این قند پاریسی به تمام توان قصد شکر شکن کردن باورها و اعتقادات را داشته باشند؛ ولی نظام اسلامی که بر مبانی دین اسلام و سنت پیامبر و ائمه (علیهم السلام) پایه گذاری شده راهی جز الگو قرار دادن حکمت و سنت ایشان در رفتارهای اجتماعی سیاسی ندارد؛ و باید به آیه شریفه: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (احزاب - ۲۱) عمل کند.

دوران عصر رسالت امامت، گواه رحمت و ملایمت اوصیای پیامبر (علیهم السلام)، حتی نسبت به مخالفان و دشمنان آنان، است. پیامبر اکرم (ص) به عنوان سرسلسله این الگو، در نحوه مدیریت حکومت اسلام، همواره بر اصل مدارا تأکید می‌ورزید؛ همچنان‌که احکام و سیاست اسلامی را بدون تبعیض بین آنان اجرا می‌کرد و می‌فرماید: «عاقل‌ترین مردم کسی است که بیشتر با دیگران مدارا کند...» (سفینه البحار - ج ۱۰ - ص ۴۴۱)

اگر چه درباره مفهوم مدارا بین مردم و حکومت‌ها، در دین اسلام و تاکیده‌های فراوان پیامبر اعظم (ص)، بحث‌های فراوانی مطرح است، که آیا به معنای پرهیز از هرگونه سخت‌گیری بی‌مورد است یا به معنای گذشتن از اصول دین و کوتاه آمدن در مقابل اقدامات مخالفان و معاندان؟! ولی به یقین آنچه از تاریخ و سنت امامت و رسالت به دست می‌آید، هیچگاه منظور از مدارا نسبت به مخالفان زیر پا گذاشتن اصول دین و تعالیم ضروری آن نیست. بلکه آسان‌گیری در اصل پذیرش و دعوت به دین بدون اجبار و اکراه؛ و عمل به احکام دین، تا جایی که اصول آن حفظ شود.

همانطور که پیامبر پس از تشکیل حکومت اسلامی، در برخورد با مشرکان، بت پرستان و اهل کتاب و حتی منافقان، که با فتنه‌انگیزی،

پویش بزرگ «اجازه نمیدهیم» در مقابله با زیاده خواهی استکبار برای بازجویی از دانشمندان و بازرسی از تاسیسات نظامی کشور



شهدای کربلا



ارسال شده توسط: mamitavanim92

دروغ است. انسانی که به جبهه می رود برای دفاع از دین و ناموس خودش می رود نه برای روحانیت. تنها برای نشان دادن انسانیت خود می روند. برای نشان دادن قدرت دین خود می روند و بالاخره برای هدفی که دارند می روند نه اینکه فریب کسی را بخورد. آن ایمانی که به خدا و رسول خدا دارد می رود. این حرفها را انسان جاهل و نادان می زند و این قدرت نفسانی اوست که به او غلبه می کند و به او اجازه زدن چنین حرفهایی را می دهد و اگر هم از روی دانایی بزند از روحانیت و اسلام وحشت دارند چون روحانیت چراغ امت است. وظیفه روحانیت بیدار کردن مردم است.

برادران و خواهران! ما همه مسئولیم. اگر در جبهه ها حضور نداریم لاقول در پشت جبهه به رزمندگان کمک کنیم. کمک ما این است که در حال حاضر دشمنان داخلی را که گروهکهای منحرف می باشد سرکوب کنیم و فقط حزب الله را بر ایران زمین و تمامی جهان بر پا کنیم و برای محافظت آن بکوشیم. برادران و خواهران هیچ وقت بیکار نباشید؛ خدای نکرده دشمن از غفلت شما استفاده کند و ضربه خودش را بزند. به خدا سوگند قسم به خون پاک شهیدان اگر کسی بخواهد با چشم بد به معنا و مفهوم شهید بنگرد و تبلیغ کند که چرا فرزندان را به جبهه می فرستی خداوند سزایش را می دهد و او را خوار و زبون می سازد.

۶۲/۰۶/۲۲

انا لله و انا الیه راجعون

همانا ما از خداییم و به سوی او بر می گردیم.

با درود و سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی مید نور چشم مستضعفان جهان و نایب بر حق امام زمان (عج) امام خمینی و با سلام به امید امام امت آیت الله منتظری و با درود فراوان به تمامی رزمندگان اسلام و تمامی شهیدان از صدر اسلام تا شهدای کربلاهای ایران.

آنچه وصیت من است این است که همیشه پیرو خط امام باشید که اگر اینگونه باشید هیچ خطری و اغراضی شما را تهدید نخواهد کرد.

و حال که این وصیتنامه را می نویسم با سلامتی کامل و آگاهی تمام و اعتقاد به راه انبیاء و ولایت فقیه می باشد. اول اگر که شهید شدم راهی بود که خود آگاهانه انتخاب کردم و امیدوارم خداوند بزرگ این شهید شدن مرا قبول کند و گناهان مرا ببخشد پروردگارا هر چه زودتر شهادت را نصیب من کن و من می دانم که به مرگ طبیعی خواهم مرد یا به دست منافقین شهید خواهم شد و یا در جبهه های جنگ اما از خدا می خواهم اگر لایق می داند یک لطفی به من بنماید و آن اینکه مرا در ردیف شهداء قرار دهد.

و ضمناً بعرض برسانم بعضی ها می گویند اینها که به جبهه می روند اطلاعی ندارند. می گویند فریب روحانیت را خورده اند و می گویند اینها را شستشوی مغزی دادند ولی اینها همه

خاکپایان افکار

ارسال شده توسط: salam110

تیرماه سال ۶۱ با ماه مبارک رمضان مصادف شده بود. من یک بسیجی کم سن و سال بودم و هنوز چهارده سالم تمام نشده بود که برای دومین بار به جبهه اعزام می‌شدم.

ما را ابتدا به منطقه عملیاتی غرب «سرپل ذهاب محور تپه فلاویز» و بعد از گذشت چند هفت جهت عملیات، به منطقه جنوب کشور اعزام کردند. اولین گروه اعزامی از استان همدان به جنوب کشور بودیم به همین دلیل مورد بدرقه پرشور مردم قرار گرفتیم. بعد از اعزام به اهواز، گروه ما را که یک تیپ پیاده بودیم در یک دبیرستان اسکان دادند. دو سه شب اول که در شهر بودیم به خاطر اینکه به هوای گرم و شرجی جنوب عادت نداشتیم خیلی سخت گذشت. بعد از مدتی به منطقه عملیاتی شرق بصره اعزام شدیم. ما را در یک اردوگاه صحرایی که با چادر درست کرده بودند جهت توضیح فرماندهان و سردسته‌ها به مدت یک هفته نگه داشتند.

منطقه عملیاتی یک خاکریز ۸ کیلومتری بود که به شهر بصره تسلط داشت که با شدت و نیروی زیادی محافظت می‌شد. ساعت عملیات یک بامداد و با رمز «یا مهدی ادرکنی» بود. در آن شب بچه‌ها بعد از راز و نیاز و دعا با خدا به نیت پیروزی روزه مستحبی گرفتند. عملیات شروع شد و به یاری خداوند به خاکریز هجوم بردیم و دشمن را زمین‌گیر و خاکریز را به تصرف خود درآوردیم.

خدا می‌داند با وجود اینکه بعضی از بچه‌ها هنوز افطار نکرده بودند و تنها از آبی که در قمقمه داشتند خورده بودند ولی جعبه خرما به دست هر کس می‌رسید می‌گفت سیرم، و به نفر بعدی خود می‌داد و آخرین نفر جعبه خرما را دست نخورده به معاون فرمانده داد.

سپیده صبح بود که دشمن با صدها تانک و نیروهای تازه نفس شروع به تک کرد. ۴۸ ساعت با دشمن درگیر بودیم تا اینکه نیروهای کمکی که از برادران اصفهانی بودند جایگزین ما شدند. بعد از ۴۸ ساعت درگیری خسته و گرسنه حدود نیمه شب بود که به اردوگاه رسیدیم. بنابراین از غذا و شام وحتىی یک تکه نان هم خبری نبود به جز یک جعبه خرما که آن را به معاون فرمانده که از همه ما خسته‌تر بود، دادند.

فرمانده تیپ، برادر «چلوی»، شهید شده بود. معاون فرمانده همگی ما را که حدود ۱۴۰ یا ۱۵۰ نفر بودیم به خط کرد و گفت: برادرانی که خیلی گرسنه هستند از این خرما بخورند و آنهایی که می‌توانند، تا فردا صبح تحمل کنند. خدا می‌داند با وجود اینکه بعضی از بچه‌ها هنوز افطار نکرده بودند و تنها از آبی که در قمقمه داشتند خورده بودند ولی جعبه خرما به دست هر کس می‌رسید می‌گفت سیرم، و به نفر بعدی خود می‌داد و آخرین نفر جعبه خرما را دست نخورده به معاون فرمانده داد.

همگی خسته و گرسنه و به یاد دوستان و همسنگران خود که در این عملیات با زبان روزه به کاروان شهدا، مجروحان و اسرا پیوسته بودند دعا و گریه کردیم.

به نقل از محمدعلی قنبری از رزمندگان دفاع مقدس



شورای رهبری

تنها انتخاب فرد واحد را مورد توجه قرار دادند. اصل ۱۰۷ که نحوه‌ی تعیین رهبر را در مجلس خبرگان رهبری بیان داشته، مقرر نموده است: «... خبرگان رهبری درباره‌ی همه‌ی فقه‌های واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و ۱۰۹، بررسی و مشورت می‌کنند، هرگاه یکی از آنان را اعلام به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل ۱۰۹ تشخیص دهند، او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند».

اما چیزی که بدخواهان نظام جمهوری اسلامی در این چند سال با تمسک به آن علم دلسوزی برای مقبولیت و مشروعیت جمهوری اسلامی و رهبر را بلند کرده‌اند؛ اصل ۱۱۱ قانون اساسی است که در سال ۱۳۶۸ با هدف و کارکرد دیگری برای شورای رهبری پایه‌ریزی و اصلاح شد، که بر موقت بودن شورای رهبری تأکید می‌کند. شورا در شرایط اضطراری تشکیل می‌شود که خلأ رهبری وجود داشته باشد. این شورا چنان‌که در اصل مذکور تصریح شده، تمام وظایف رهبری مگر تصمیمات کلیدی مؤثر بر مقدرات کشور را برعهده می‌گیرد:

«... در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظف‌اند در اسرع وقت، نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورایی ... همه‌ی وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می‌گیرد...».

بنابراین شورای مزبور که در قانون اساسی عنوان موقت دارد، دستمایه شبهه افکنی‌ها، توهم و منافع شخصی، حزبی و سیاسی عده‌ای مغرض شد که اصل ماجرا بارها توسط افراد مختلف حاضر در جلسه مجلس خبرگان رهبری، برای تشخیص و تعیین رهبر بعد از رحلت حضرت امام (ره) بیان شده است.

منابع

۱. مشروح مذاکرات شورای بازنگری در قانون اساسی، ۱۳۶۸
۲. هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی...، ج اول، انتشارات مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۵

از مهم‌ترین مباحث هر نظام سیاسی «مشروعیت» آن نظام است. واژه «مشروعیت» در جامعه‌شناسی سیاسی به معنای «مقبولیت مردمی» است، ولی در فلسفه و کلام سیاسی، منظور از آن حقانیت است نه تعدد مردم در قبول حاکم بر مردم و حکومت. در واقع مشروعیت در توجیه عقلایی؛ اعمال سلطه و اطاعت و به بیان دیگر: «اعمال قدرت از سوی حاکم» و «قبول سلطه از سوی مردم» است.

دیدگاه رایج در اندیشه سیاسی شیعه در باب مشروعیت حکومت اسلامی، نظریه «انتصاب» است، که حقانیت حکومت فقیه را ناشی از اراده خداوند متعال و نصب عام از سوی ائمه (علیهم‌السلام) می‌داند؛ ولی از ابتدای انقلاب جمهوری اسلامی، بدخواهان نظام در جهت به شکست کشاندن انقلاب و زیاده‌خواهی‌های شیطانی، حملات خود را متوجه مشروعیت حکومت رهبر و دیدگاه دیگری رامطرح کردند که در گرداب منافع خاص، حقانیت حکومت فقیه را منوط به اراده الهی و انتخاب مردم دانستند تا مشروعیت را به مقبولیت تعریف کنند. در زمانی که قرار شد قانون اساسی کشور تدوین و تصویب شود، دو پیش نویس ارائه شد، یکی از سوی عناصر ملی مذهبی با قوانینی آمیخته با سکولاریسم و دموکراسی غربی و دیگری پیش نویسی بر اساس اصول و مبانی حکومتی اسلام که از سوی یاران امام پیشنهاد شده بود. که در نهایت در ماده ۱۰۷ قانون اساسی سال ۱۳۸۵ مصوب شد که پس از امام خمینی (س) یک نفر یا سه یا پنج نفر از کسانی که دارای شرایط مرجعیت باشند به انتخاب خبرگان برای رهبری برگزیده می‌شوند.

ادله تدوین چنین ماده‌ای؛ کسب مقبولیت بیشتر و مشروعیت بر تصمیمات بود و هر زمان نسبت به این قانون که بر موضوع شورای رهبری صحه می‌گذاشت، از سوی رجال دین و سیاست نقدی صورت می‌گرفت، می‌گفتند: امام نیز در دستورات و پیام‌های مختلف بر موضوع شورایی بودن تمام امور حکومتی حتی در سطح شهر و روستا برای رسیدن به جمهوریت تأکید دارند. و همینطور که پس از تصویب این ماده و قانون اساسی، حضرت امام (ره) نسبت به این مسئله که رهبر یک نفر یا شورا باشد، نظری را ابراز نکردند و با پذیرفتن قانون اساسی، نسبت به آن رسماً موضع مخالف نگرفتند.

در حالی که حضرت امام (ره) به صراحت نسبت به فرد بودن رهبر و نصب عام رهبر به عنوان ولی فقیه در کتب مختلف و سخنرانی‌ها تأکید کرده بودند و سیره ایشان در قبول رای مردم یا مجالس، شوراهای و انتخابات مردمی، تنفیذ آن رای بود. در حالی که در طول تاریخ حکومت پیامبران و یک‌هزار و چهارصدساله شیعه چنین مسأله‌ای درباره حکومت شورایی مطرح نبوده و چنین موردی را در زمان ائمه (علیهم‌السلام) و حتی فقه‌های اهل سنت نیز نداشته‌ایم و در هیچ آثاری نیز چنین چیزی نیامده است. و حتی در آراء فقه‌ها حال حاضر الا برخی افکار غریب‌زده چنین چیزی را سراغ نداریم.

با چشم پوشی از تمام ادله بطلان موضوع شورای رهبری، در زمان بازنگری، متمم و تغییر قانون اساسی، و بعد از اینکه بارها حضرت امام (ره) نگاه فقه‌ای و مبنایی اسلام را بیان کرده بودند و بعد از مسائلی همچون قائم مقام رهبری و عزل منتظری و اظهار ناراضیتی ایشان از تصمیمات مجلس خبرگان قانون اساسی و رهبری، در سال ۱۳۶۸ از جمله تغییراتی که در قانون اساسی صورت پذیرفت، حذف شورای مزبور بود. اصول پنجم و ۱۰۷ اصلاحی، در باب تعیین رهبری،



شلیک شیطانی

شد. از این ۱۱ مورد، ۷ مورد بر روی طول موج ۲۴۳ مگاهرتز بود که مخصوص هواپیمای نظامی است و ایرباس تجهیزات لازم برای شنیدن آن‌ها را نداشته است.

بعد از لحظاتی فرمانده ناو اعلام میکند هواپیمای مزبور جنگنده قدرتمند اف-۱۴ بوده و در حال شیرجه برای حمله به ناو! وقتی راجرز اعلام می‌کند که می‌خواهد هواپیمای ایرانی را سرنگون کند کارلسون، فرمانده ناو سایدز که در زمان حادثه در نزدیکی ناو وینسنس قرار داشت، دوباره مونیترهای ناوش را بررسی می‌کند و به خدمه‌اش می‌گوید: «این هواپیما که دارد اوج می‌گیرد؛ ارتفاعش هم که ۷،۰۰۰ فوته! معلوم هست راجرز چه غلطی می‌کند؟»

اما به دستور راجرز، موشک استاندارد ۲ به سوی پرواز ۶۵۵ شلیک شد و هواپیما در آب‌های خلیج فارس سقوط کرد. با عدم اطلاع از سرنوشت هواپیما، برج مراقبت فرودگاه بندرعباس، در تماس با دبی، پیگیر سرنوشت پرواز ۶۵۵ شده ولی آن‌ها اظهار بی‌اطلاعی کردند. بلافاصله ستاد تأمین استان هرمزگان وضعیت اضطراری اعلام و فعالیت خود را آغاز کرد.

کاپیتان دیوید کارلسون، طی مصاحبه ای گفت: «سیگنال‌های نیروهای نظامی ایران کاملاً واضح بود و جایی را برای اشتباه باقی نمی‌گذاشت». مقام‌های آمریکا پس از سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران، برای توجیه این جنایت نابخشودنی، دلایل ضد و نقیضی عنوان کردند و کوشیدند این اقدام خصمانه را یک اشتباه قلمداد کنند. هیچ‌کدام از خدمه جنگی ناو وینسنس تحت پیگیری قرار نگرفتند و حتی فرمانده ناو نیز در پایان خدمت خود مدال لژیون لیاقت گرفت.

شکایت ایران به شورای امنیت، شورای ایکائو و دادگاه لاهه تنها منجر به صدور یک قطعنامه بی‌خاصیت و دریافت مبلغی به عنوان غرامت شد. دولت آمریکا مبلغ ۵۵ میلیون دلار به خانواده‌های قربانیان و نیز مبلغ ۴۰ میلیون دلار برای غرامت ناشی از سقوط هواپیمای مسافربری پرداخت. این مبالغ بدون قبول مسئولیت حادثه پرداخت شد.

در این جنایت، تمامی ۲۹۰ سرنشین هواپیما که شامل ۴۶ مسافر غیر ایرانی و ۶۶ کودک بودند، جان باختند. این جنایت از نظر میزان تلفات انسانی، هفتمین جنایت مرگبار هوایی تاریخ بوده است.

بهار سال ۱۳۶۷ آمریکا به بهانه حفاظت از کشتی‌های نفت‌کش و تجاری کشورهای بی‌طرف و دوست خود، ناوهای جنگی را روانه آب‌های خلیج فارس کرد. ناو جنگی یو اس اس وینسنس با فرماندهی ناخدا ویلیام راجرز در ۸ خرداد به بحرین رسید.

در روز یکشنبه ۱۲ تیر ۱۳۶۷ هواپیمای ایرباس آ-۳۰۰ متعلق به هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران در فرودگاه بین‌المللی بندرعباس به زمین نشست و طبق برنامه پیش‌بینی شده، قرار بود این هواپیما با شماره پرواز ۶۵۵ به همراه ۲۷۴ مسافر (با ملیت‌های ایرانی، اماراتی، یوگسلاوی، پاکستانی، هندی و ایتالیایی) و ۱۶ خدمه پرواز که در مجموع ۲۹۰ نفر می‌شدند در ساعت ۱۰ صبح به مقصد دبی، امارات متحده عربی پرواز کند.

دقایق نخستین پرواز و مراحل اوج‌گیری تا ارتفاع ۱۲ هزار پایی مطابق طرح پرواز انجام شد و خلبان به‌طور پیوسته با برج مراقبت فرودگاه بندرعباس و مرکز کنترل راه‌های هوایی ایران و امارات متحده تماس داشت و پیش از وارد شدن به آب‌های امارات درخواست صعود به ارتفاع ۱۴ هزار پایی را اعلام می‌کند.

ناو وینسنس که وظیفه اصلی آن، کشف هدفهای پرنده، اعم از موشک، هواپیما و پردازش اطلاعات، تعقیب صدها هدف به‌طور هم‌زمان و کنترل آتش آنها بود صبح همان روز وارد آب‌های خلیج فارس شد، هم‌چنین این رزم‌ناو به موشک زمین‌به‌هوا با برد ۴۰۸ کیلومتر نیز مجهز بود.

بنا به گزارش ایکائو (که بعدها مشخص شد توسط ارتش آمریکا تهیه شده بوده)، هفت دقیقه پس از بلند شدن از فرودگاه بندرعباس، ۱۱ مورد اخطار از سوی کشتی‌های جنگی آمریکا به هواپیمای ایرانی اعلام شد. ۷ مورد توسط ناو وینسنس بر روی فرکانس ۲۴۳ مگاهرتز، یک اخطار توسط ناو سایدز بر روی همین فرکانس و ۳ اخطار دیگر بر روی فرکانس اضطراری ۵/۱۲۱ مگاهرتز به هواپیمای ایرباس داده





برداشتی از یک ماجرای واقعی

نویسنده: ayandeh110

من که مثل همه هستم، فقط دست راستم مشکل داره. باید به این خاطر بهم ترحم بشه؟ بخاطر معلولیتم مورد ترحم بچه های کوچکتر از خودم قرار بگیرم؟ در دنیای کودکی ام آرزوی مرگ کردم تا انقدر مامانم زجر نکشه برای باز شدن دست مشت شده ام. اون شب با بغض و گریه خوابم برد. سحر که بیدار شدم دیگه فشار ناخنهام رو کف دستم حس نمی کردم. نگاهم چرخید روی دستم. هیچ وقت صدای لرزان از بغضم رو یادم نمیره که با هیجان و بریده بریده گفتم: مامان دستم رو نگاه کن! دستم کامل باز میشه... همین که دستم باز شده بود، برام کافی بود. با دردش هم کنار میومدم. اما بزرگ که میشدم، دردها هم بزرگتر میشدن. چرا خواستگارم وقتی میفهمه نمیتونم خیلی از کارها رو انجام بدم، راهش رو بگیره و بره؟ چرا باید دردم رو بریزم تو خودم تا مادرم هم درد نکشه؟ چرا...»

خواب رشته کلام لیلا را پاره کرد. در خواب، کنار ضریح، دستانش را دور حلقه های ضریح، حلقه زده بود!

با صدای تلویزیون بیدار شد. مراسم احیا تمام شده بود و مناجات سحر پخش میشد. کف دست چپش را روی زمین گذاشت و با تکیه به آن بلند شد. سمت آشپزخانه رفت تا وسایل سحری را آماده کند. اثری از درد نبود! خوابش را به یاد آورد و دستان حلقه شده دور ضریح...

عید فطر طبق رسم هرسال، ناهار، همه خانه ی لیلا بودند. به خاطر بیماری مادر، زمزمه کنسل شدنش راه افتاده بود. اما مادر مخالف بود. برکت زندگی را در این ناهار میدانست. ظهر شد. همه آمدند. با دیدن مادر در بست، مهممه بلند شد: «اوا، چرا نگفتید، با این حال آخه چه وقت مهمونی هست؟ زهرا خانم مریضن پس چطور مهمونی گرفتید؟» چرخش نگاه مادر به سمت لیلا پاسخ همه ی سوالات بود... این لیلای گذشته نبود.

غرق در کتاب بود. صدایی نجاتش داد. دوستش، مریم بود.
-جانم مریم جان؟ چیزی گفتی؟
-به! خانم تازه میکه چیزی گفتی! لیلا میگم برای امتحانا چطور برنامه ریزی کردی؟

لبخندی محو و زیرکانه بر لب نشاند و گفت: مثل آدم!
-شوخی نمی کنم. دو روز دیگه ماه رمضونه. با این گرما من روزهایی که امتحان داریم روزه نمیگیرم. تو چطور میخوای هم روزه بگیری هم درس بخونی؟ برای تو که سخت تر هم هست!
دلخور از جمله همیشگی «برای تو که سخت تر هست» دلایل گرفتن و نگرفتن روزه را در سر گذراند و محکم گفت: «من که میگیرم.» روزهای گرم تابستان با شروع امتحانات گرمتر شده بود و عطش روزه داری را بیشتر نمایان می کرد. فشار امتحانات بود یا گرمای هوا و یا ضعف روزه داری، هرچه بود همدم همیشگی لیلا را بیدار کرده بود. خم شد تا لب تاپش را از روی زمین بردارد. لب تاپ را که به دست گرفت نفسش بند آمد. اشک در چشمانش نشست. دستش تحمل سنگینی لب تاپ را نداشت. درد مهربان این سالها تا مغز استخوان مچ دستش را سوزاند. آرام آرام نفس حبس شده اش را آزاد کرد و با سرانگشتانی که اسیر درد بودند، اشکهایش را پاک کرد. درد مغز استخوان، اجازه فرو رفتن کلمات در مغز سر را نمیداد. تا شب، در جنگ درد و درس به خود میپیچید، ولی پیروز، درد بود. سر سفره افطار، مادر گفت: لیلا جان، امشب کجا بریم؟ -کجا؟ چه خبره مگه؟

-خواست کجاست، انقدر غرق درسی که یادت رفته امشب، شب قدره؟ تازه فهمید چه خبر است. نه سنگینی درس، بلکه شدت درد اجازه بیرون رفتن از خانه را به او نمیداد. به چشمان منتظر مادرش نگاه کرد. نمیخواست دل نگرانیش کند. گفت: «خیلی درس دارم. فردا امتحان آخره. ان شالله دوشب دیگه، شما برید. برای منم دعا کنید.»
همه رفته بودند. خسته از درد و درس، تلویزیون را روشن کرد. هرشبکه ای، مراسمی را نمایش میداد. به حرم امام رضا (ع) که رسید، ایستاد. وضو گرفت. چادرش را سر کرد. روبروی تلویزیون نشست و همراه احیا شد. گنبد طلایی امام رئوف در چشمانش درخشید. دستش را روی سینه گذاشت و سلام داد. لحظه ای چشمانش را از درد بست. دست راستش، نوازشگر دست دردمندش شد. چشم دوخته به حرم، پرنده ی خیال پر زد سوی خاطرات گذشته...

در مهمانی ها، لیلا مانند تمام دختران فامیل برای کمک برمیاخت اما همیشه جواب میگرفت: «لیلا جان بنشین برای تو سخت است!» دبیرستان و راهنمایی و ابتدایی و عقب تر. تنهایی ها و ترحم ها و دلسوزاندن های سوزان. تصویر دخترک همسایه در ذهنش جان گرفت؛ وقتی به چشمان لیلای شش ساله خیره شد و به دست مشت شده اش اشاره کرد و با صراحت گفت: «تو چلاقی؟» و صدای شکستن قلب کوچک لیلا.

چشمان خیس از اشک، چون کبوتران روی تصویر حرم میچرخید. لیلا خودش را دید و امام رئوف را. بی اختیار چشمانش را بست و شروع کرد به حرف زدن: «سلام آقا. منم لیلا. خوب میشناسیدم. بیست سال پیش وقتی تازه به دنیا اومدم و همه میگفتن می میرم، من و مامانم دو ماه اومدیم پابوسی شما و الان اینجام. آقا یادتون هست، ده سال پیش در همچین شبی، دلشکسته از حرفهای مردم و غصه دار از اشکهای مادرم اومدم در خونه ی خدا. زار زدم که چرا رفتار مردم با من فرق داره؟



رهبر انقلاب

دیدار

پایان دوران بزن دررو



شهید گمنام سلام

عبدی و روحانہ

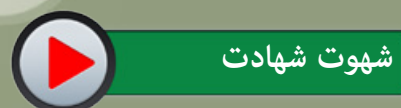
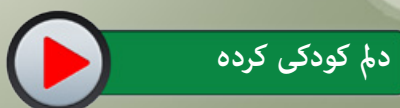
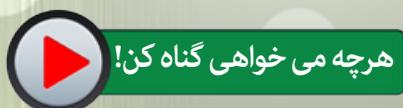
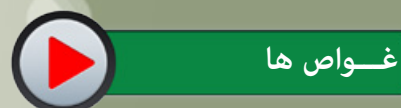
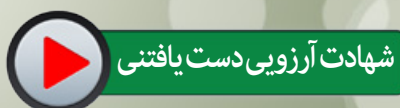
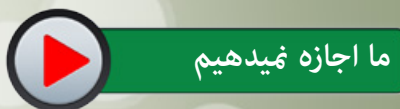
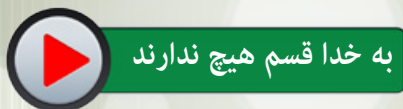
این بقیہ اللہ



۵+۱

مادران گمنام

روزهای درتحریم







خنده حلال

الباقی خادمین همیشه در صحنه راحت نشود، پای مُنقَش به ترکش اش را وارد وادی خیری نمی کند...!!
«یک جمله ای مُد شده جدیداً که؛ قضاوت نکنیم و از این حرف ها مثلاً...»
من هم که با احدی تعارف ندارم مثل همیشه وسط اتاقتش پدیدار شدم که:

دستان خیرمان معطل حضرتعالی مانده اگر نیت ندارید دسته خیرتان را فعال کنید، بروم سراغ جیب همان چند نفر « مثل پارسال و ...»
حوالی ظهر بود که حضرتشان تشریف فرما شدند آن طرف میز خدمت حقیر که؛
- فلانی یک تراول صد تومانی دارم این را داری بگیر و الباقی پول را بده یا صبر کنید تا خرد کنمش و ...
من هم که می دانستم این را نگیرم باز هم باید صبر پیشه کنیم آن هم هفته آخر سال که دیگر تا همین جای داستان هم دیر کرده ایم و شرمسار آبدارچی و خدماتچی محترم شده ایم؛
تراول را روی هوا زدم و از پاکت پول مابه التفاوت را پرداخت کردم.

موقع گرفتن تراول مثلاً حضرتشان مطایبه نمودند که این سر پول را شما بگیر و آن سر پول را من و همزمان جابه جا کنیم؛ هر هر هر ... کر کر کر...
«به نظرم با نهار نمک زیادی مصرف کرده بودند»
«یک جمله ای مُد شده جدیداً که؛ قضاوت نکنیم و از این حرف ها مثلاً...»

تراول را جهت رصد گرفتم بالا که مثلاً اعتمادسازی برای من هم صورت گرفته باشد،
که دیدم چهره بشاشان گشاده تر شد به این جمله که؛
- شما از کجا آخر می توانی بفهمی معتبر است یا تقلبی...؟ هر هر هر...
و من چقدر بیزارم از طنزهای آنها که بی قید مکان و زمان نمک پرانی می کنند.

راست هم می گفت؛ من آدم اهل چرتکه نبودم،
یعنی به خیال خودم در این چند سال اشتغال دیگر گرگی شده بودم ولی انگار همچنان همان قیافه اُسکل مآبانه یا به زبان مودبانه تر ساده خویش را حفظ کرده بودم.
فردا صبح که پی کار شخصی به بانک عزیمت کرده بودم پاکت پول را روی پیشخوان گذاشتم.

و درخواست دو عدد کارت هدیه از کارمند محترمه کردم که با جمله ایشان کلنگی که بر سر وجدان خواب برخی عزیزان هنگام دریافت مبالغ زده بودم بر سر خودم فرود آمد؛
- این تراول رو نمی تونم بپذیرم، معتبر نیست...!!
من از همه جا بی خبر حاج و واج و با دهانی باز علت را جویا شدم.؟؟؟

- تراول مَهر بانکی نداره، قابل پذیرش نیست. نه بانک ما و نه هیچ بانک دیگری هم نمی پذیره.

دست خوری

نمی دانم قیافه ام به خیرین مدرسه ساز می خورد یا به معتمدین کوچه بازار ... یا زیاد ادا و اطوار مسلمانی در می آورم؛ که در خیرات و مبراتشان آنها که رفیق ظاهر آدمیان هستند، یاد چهره ام می افتند...؟!
یا شاید خودم زیادی دسته خیرام را خاک انداز جمع می کنم...!!
پشت دست داغ کرده بودم که مثلاً امسال؛ «من را چه به عیدی جمع کردن برای آبدارچی و خدماتچی اداره»
ولی چهره مظلوم نما و گردن کج الباقی خیرین، باز هم خاک انداز جمع کرد مرا.

- پس لطفاً نفری انقدر تومان...
انقدر تومان را که می گفتم یاد سال گذشته و چهره کارمندان میلیونی حقوق بگیر می افتادم که چه خفتی می دادند سر پرداخت مبلغی که شاید پول کرایه تاکسی شان تا محل خدمت هم نمی شد.
«یک جمله ای مُد شده جدیداً که؛ قضاوت نکنیم و از این حرف ها مثلاً...»

هرچند امسال با توپ پُر کلنگی بر فرق سرشان زدم که ...
- لطفاً انقدر مبلغ و اگر عاجز از پرداختین شما را به خیر و عیدی دادن و لطف بی امانتان را به سلامت، خودمان چند نفر جورش می کنیم به طریقی.

خلاصه که کلنگ توپ پُرمای اینبار هم کارگر افتاد و از فرط شرمساری انقدر تومانشان را پرداخت کردند.
همه و به جز این ریاست فلان فلان شده که تا خیالش از جانب

دستانشان را آغشته به نیت خیری نکنند که می تواند منشاء سرور دیگری شود.

هر چند من هنوز هم مراقب دستان خیرم هستم و با دیدن لبخند کارگرانی که سرمست عیدی شب عیدشان ما را غرق تشکر بی امانشان کردند، حماقت این آدمیت را باز پشت گوش می اندازم، ولی... دیگری شاید دسته خیرش را بعد از امثال واقعه ای تا قیام قیامت غیر فعال کند.

دزد خوبی دیگران نشویم برادران مسلمان !!..



مگر اینکه به نحوی بتوانید از شعب مرکزی تعویضش کنید یا براتون مَهرش کنن.

حالا چی کار کنم کارت صادر کنم یا نه؟

بانک خلوت بود یعنی خالی از مراجع ولی احساس می کردم در عین بی گناهی، هزاران چشم به جرم گناهکار بودن به من زل زده اند و چهره ام شبیه اختلاس گران و کلاهبرداران شده...!!

- نه صادر کنید مبلغ را نقداً می پردازم.

صدای هر هر کِر کِر حضرتشان را به وضوح می شنیدم و جمله ای که مرا یاد حقه ای که خورده بودم می انداخت:

«شما از کجا آخر می توانی بفهمی معتبر است یا تقلبی؟!»

هرچند تقلبی نبود ولی فاقد اعتبار بود...

به این فکر می کردم که حیف اسلام دست و بال مرا بسته و گرنه

با همین دسته خیر به قطعات موازی تقسیمش می کردم تا دیگر مرا مضحکه بانک و بانکدار و اختلاس گران و کلاهبرداران و همدستانش نکند.

اینکه می گویم همدست؛ وقتی سراغ شخص خیر ندیده اش جهت عرض گله و شکایت رفتم، با لبخندی فلان همکارش را صدا زد که: - این تراول را قبول نکردن تعویضش کن و باز هم؛ هر هر ... کِر کِر کِر ...

و آنجا بود که شصتم که چه عرض کنم همه اهل لابی مطلع شدند نیتشان بوده تراول را دست به دست بچرخانند که دیگر در دسر مَهر و بانک و کاغذ بازی را از سرشان رد کنند.

«یک جمله ای مُد شده جدیداً که؛ قضاوت نکنیم و از این حرف ها؛ مثلاً...»

وقتی هم دستشان آمد که چهره برافروخته من به این راحتی با گلوله های نمکی که از جانبشان حواله در و دیوار می کردند به حالت همیشگی بر نمی گردد، تیر آخر را انداختند که:

- از کجا معلوم، شاید خودت یکی مثل این داشتی و جابه جا کرده باشی...!!

چه شوخی گزنده ای بود که به جای مَهر کردن دهانشان با یک عذرخواهی دهان مرا با مَهر تهمت بستند.

هرچند طنازی شان باب تبع سایرین هم واقع نشد، و الباقی همکاران هم با چهره برافروخته شان با من همراهی و همدردی می کردند ولی نهایت داستان باز هم به سکوت ما ختم شد .

بعد از گذشت این چند روز و حالا که دارم بازخوانی می کنم این پس از واقعه را، ذهنم درگیر این شده که؛ برخی چگونه دزد خوبی دیگران می شوند و آنها را منصرف می کنند تا دفعات بعدی و بعدتر



روزه

ارسال کننده: **iiihalameshghii**

استعمال عطر برای روزه‌دار، در ماه رمضان چه حکمی دارد؟

استعمال عطر برای روزه‌دار مستحب است؛ ولی بو کردن گیاهان معطر مکروه است.

کسی که در ماه رمضان مسافرت کرده، آیا علاوه بر قضا، باید کفاره هم بدهد؟

خیر، تنها قضای روزه‌ها واجب است و کفاره ندارد؛ ولی اگر قضای روزه‌ها را تا ماه رمضان سال بعد به تأخیر اندازد، به جهت تأخیر، باید برای هر روز يك مد طعام کفاره بدهد.

اگر در ماه رمضان برای سحری بیدار شویم و سحری بخوریم و بعد بفهمیم اذان گفته‌اند روزه قبول است یا باید روزه آن روز قضا شود؟ اگر تحقیق نموده و با علم به اینکه هنوز صبح نشده خورده است و بعد فهمیده که صبح شده، روزه صحیح است و قضا ندارد.

خلال کردن دندان بعد از خوردن غذا برای کسی که فردایش قصد گرفتن روزه را دارد، چه حکمی دارد؟

خلال کردن بعد از غذا برای کسی که قصد روزه دارد واجب نیست حتی اگر احتمال دهد که خلال نکردن موجب داخل شدن غذای لابلای دندان‌ها به حلق می‌شود؛ و اگر بعد از آن سهواً هم غذا داخل حلق شد، روزه‌اش باطل نمی‌شود؛ بلکه اگر یقین داشته باشد که ترک آن باعث داخل شدن غذا به حلق می‌شود واجب است خلال کند و اگر نکرد، با فرض داخل شدن غذا به حلق بلکه مطلقاً (بنا بر احتیاط واجب) روزه‌اش باطل می‌شود.

حکم استفاده از نخ دندان - که فلوراید و طعم نعنا دارد - در حال روزه چیست؟

اگر آب دهان را فرو نبرد، اشکال ندارد.

اگر شخص روزه‌دار در اثر فراموشی چیزی بخورد، آیا تذکر دادن به او واجب است؟

خیر، تذکر دادن به او واجب نیست.

آیا اگر از دهان شخص روزه‌دار خون بیاید، روزه‌اش باطل می‌شود؟

روزه به سبب آن باطل نمی‌شود، ولی واجب است که از رسیدن خون به حلق جلوگیری کند.

منبع: استفتائات مقام معظم رهبری

قیمت اخلاص

نویسنده: **matinemami**

هر عملی را برای رسیدن به نتیجه‌ای تعیین کرده‌اند به طوری که هر کس آن نتیجه را طلب کرد، با این عمل یا اعمال به مقصودش برسد. از آب خوردن که نتیجه‌اش رفع تشنگی است گرفته تا درس خواندن که برای کسب علم و خواستگاری برای ازدواج و مثال‌هایی دیگر نشان دهنده رابطه‌ی نتیجه با عملی است که برای آن در نظر گرفته شده است.

حالا فرض کنید کسی عملی را برای نتیجه‌ای غیر از نتیجه اصلی آن انجام دهد. آب بخورد برای خالی کردن لیوان، درس بخواند تا با نمره‌اش پز بدهد یا خواستگاری برود که شیرینی بخورد؛ شما چه نامی روی عملی که برای نتیجه‌ی اصلی خود انجام نمی‌شود می‌گذارید؟ نام این عمل، عمل ناخالص است.

وقتی عمل شما فقط برای رسیدن به نتیجه‌ی خاصی است که این عمل را برای رسیدن به آن نتیجه ساخته‌اند، اخلاص آن تضمین شده است. اما اگر نتیجه دیگری را طلب کنید یا نتایج دیگر را هم در کنار نتیجه اصلی در نظر آورید و شریک کنید، از اخلاص عمل دور شده‌اید و از آن جهت که دیگران، با دیدن عمل شما تصور می‌کنند شما از آن عمل قصد رسیدن به نتیجه اصلی را دارید، در واقع دچار فریبکاری شده‌اید.

این اخلاص فقط به احکام شرع و اخلاقیات و سایر مسائل دینی مربوط نیست و با دقت در مفهوم وسیع آن که اخلاص در هدف است، در همه جنبه‌های زندگی می‌تواند رمز موفقیت برنامه‌ها و اعمال ما باشد. اما حساسیت مسائل دینی و گره خوردن آن با سعادت دنیا و آخرت افراد، باعث شده است اخلاص در این مسائل اهمیتی بیشتر و عدم آن، زشت‌تر و آزار دهنده‌تر باشد.

با تعریفی که از اخلاص داده شد، یعنی هدف گرفتن نتیجه‌ی اصلی، برای تقویت اخلاص می‌توان از توصیه و تلقین فراتر رفت و با تکیه بر ریشه‌ها، از قاعده‌ی «نتیجه برتر» سخن گفت؛ کافی است نتیجه‌ی اصلی یک عمل را با نتایج فرعی، مقایسه کنید تا قیمت بالای آن، خیال‌های مزاحم و وسوسه‌ی نتایج کم ارزش‌تر را از ذهنتان دور کند. بر این اساس معرفت خود و خدا و ایمان را باید پایه‌های اصلی اخلاص دانست که هرچه در ارزیابی و قیمت‌گذاری نتایج اعمال دقیق‌تر باشید، زمینه محکم‌تری برای اخلاص پدید می‌آورد.

برنامه ۳۶ رادیو افسران منتشر شد.

این برنامه با محورهای نیمه شعبان، رحلت امام خمینی و استقبال از ماه مبارک رمضان تهیه و تنظیم گردیده است.

<http://www.afsaran.ir/link/۹۶۶۲۳۲>

رادیو افسران غیر از این برنامه، دو ویژه برنامه نیز بطور اختصاصی منتشر کرد:

ویژه برنامه اعیاد آغازین شعبان

<http://www.afsaran.ir/link/۹۴۲۸۱۵>

ویژه برنامه رحلت امام خمینی (ره)

<http://www.afsaran.ir/link/۹۵۷۹۶۴>



پس از سخنان رییس جمهور مبنی بر ربط دادن تحریم ها به همه مسائل کشور از جمله آب خوردن مردم، پویشی با عنوان «تحریم می میفهمی؟!» در سایت افسران به راه افتاد و در شبکه های دیگر نیز ادامه یافت. این پویش در تویتر تبدیل به اولیت موضوع داغ شد و محتوای مختلفی ذیل آن منتشر گردید. در سوژه روز افسرانی این پویش بیش از ۴۰۰ لینک تولید و باز نشر شد.

بعد از تغییر گروه خنده حلال به محلی برای ارسال لینک های طنز تولیدی، محتوای زیادی توسط افسران ساخته و منتشر شد. طی این مدت دو جریان در خنده حلال ایجاد شده و به سایر فضاهای مجازی تسری پیدا کرد به گونه ای که خبر آن در رسانه ملی نیز منعکس شد: جریان «دبه» در پویش «تحریم می میفهمی» در واکنش به سخنان عجیب رییس جمهور. در پویش اخیر بیش از ۱۳۰ لینک در این گروه تولید و منتشر شد.



نظرسنجی چهره خوب و بد اردیبهشت ماه نیز انجام شد. طی این نظرسنجی احمد معتمدی رییس دانشگاه امیرکبیر به خاطر دعوت از هاشمی رفسنجانی و ممانعت از حضور منتقدان به عنوان چهره بد و کاپیتان صداقت نیا خلبان اعزام شده به یمن به عنوان چهره خوب انتخاب شدند.



متاسفانه با خبر شدیم یکی از کاربران افسران تومور مغزی دارند و باید شیمی درمانی بشن ان شاءالله به خیر بگذره جهت سلامتیشون صلواتی بفرستیم.



Bravo

سه سال پیش همچین شبی آبجی کوچیکم قربانی سهل انگاری شرکت گاز شد شب جمعس لطفاً ی فاتحه برا آبجی جوون مرگم مرحمت کنید ممنون میشم . تا عمر دارم از گناهشون میگذرم و داغش ثایه ای راحتم نگذاشته



Syrous

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
اَلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوْبُهُمْ بِذِكْرِ اللّٰهِ اَلَا یَذِکُرُ اللّٰهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوْبُ، الرعد ۲۸
آنها کسانی هستند که ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرامش میگیرد آگاه باشید که تنها با یاد خدا دلها آرامش پیدا میکند



Syrous



کاتوری در نقد پذیرش بازرسی تاسیسات نظامی توسط آژانس که توسط کاربر miladps۳ منتشر شد



کاتور در نقد منتشر نشنن فکت شیت ایرانی از بیانیه لوزانکه توسط کاربر miladps۳ ایجاد شد.



لینک انتقادی در مورد منتشر نشدن فکت شیت ایرانی که توسط کاربر bravo منتشر شد.

برای اولین بار مصاحبه با یک گروه افسرانی را جایگزین مصاحبه با کاربران کردیم. گروه رادیو افسران یکی از گروه های خوب تولیدی سایت می باشد که امیدواریم این مصاحبه موجب آشناتر شدن کاربران با این گروه و همکاری بیشتر با آن شود.

۱. لطفاً بفرمایید گروه چه زمانی ایجاد شد؟

گروه رادیو افسران در شهریور ماه سال ۱۳۹۱ توسط یکی از کاربران اسبق سایت به نام «puria» ایجاد شد.

۰۳۱۳ ، afsar ، fotros۷۲ ، mzeraati ، sevenmin ، adabulabbas ، parasto و ... که اصوات بسیار متنوع با سلايق خوب و بعضاً حرفه ای منتشر میکنند و واقعا هم قابل تقدیر هستند .

البته بارها سعی در ایجاد موج و همراهی با کمپین های مختلف کردیم ، مثل کمپین هایی که در سایت ایجاد شده و چند حرکت گروهی ديگه مثل چله های زیارت عاشورا و ... داشتیم که به نوبه خودشان موفق هم بودند اما این جای کار داره و مستلزم همکاری بیش از پیش اعضا با گروه هست.

۵. چرا غیر از صوت لینک های دیگر مثل کلیپ های تصویری هم به گروه ارسال میشود ؟

محدودیتی در آخرین ویرایش قوانین گروه رادیو افسران در این باره ندیدم چون نیاز بود جایی برای دیده شدن کارهای مولتی مدیای کاربران وجود داشته باشه برای همین گذاشتیم منتشر بشه.

۶. گروه فریم افسران برای نمایش کلیپ های تصویری بوجود اومده به نظر شما این وضعیت موجب موازی کاری و غیر تخصصی شدن گروه نخواهد شد؟

زمانی که قوانین مربوط به گروه رادیو افسران را می نوشتم فکر

می کردم گروه فریم افسران کلیپ های تولیدی اعضای خود گروه را منتشر میکنه اما یکی دیگر از دلایل این اتفاق میتونه بالا بودن تعداد اعضای گروه رادیو افسران (حدود ۱۲۰۰ عضو) و به طبع اون بیشتر دیده شدن یک کلیپ باشه. ضمناً با دیدن این مورد که گروه فریم یا گروه های مشابه خیلی کم لینک ارسالی دارند تصمیم به این اقدام گرفتم. گروه هایی در همان زمان ایجاد شد مثل ویدئو افسران که یا مدیرش برای همیشه از دسترس خارج شد! یا گروه خوابیده... .

۷. برای گروه رادیو یک سری زیرگروه هم ایجاد شده. در مورد آنها هم توضیح بدید که چه گروه هایی هستند و چه ماموریتی دارند ؟

یکی از این زیر گروه ها تیم عملیاتی رادیو افسران هست که به منظور هماهنگی و انجام مشورت اعضای گروه اینترنتی رادیو افسران جهت تولید برنامه صوتی رادیو افسران ایجاد شد. مهم ترین هدف و فعالیت این گروه مجموعه اقداماتی هست که منجر به تولید این برنامه صوتی می شود.

۸. برای عضویت کاربران فعال، برنامه داشتید؟

در آن زمان! سعی میکردم با تعقیب کاربرانی که کار صوتی تولید می کردند و دعوت با دلایلی مثل دیده شدن کارشون و ... آنها رو با گروه رادیو افسران آشنا کنم.

۹. چرا نظم قبلی در انتشار برنامه های رادیو وجود نداره ؟ قبلا هر دو هفته یکبار منتشر می شد.

بله سابق این طور بود اما تغییر و تحولاتی باعث شد تا نظم در انتشار برنامه های رادیو بهم بریزه؛ از جمله این اتفاقات جدایی



۲. دلیل و هدف تشکیل چنین گروهی چه بود؟

همانطور که از اسم گروه هم مشخصه قرار بود گروهی باشه که در آن صوت منتشر بشه و کاربران سایت افسران از صوت ها استفاده کنند.

۳. چه فرایندی برای مدیریت محتوا در گروه انجام شده؟

قبلا که کاربری مدیر گروه غیرفعال نشده بود سعی می شد با تعیین مدیرانی برای همکاری با گروه تا حد امکان جلوی لینک های غیرمرتبط گرفته بشه اما الان چنین اقدامی تقریباً صورت نمیگیره و فقط گاهی بعضی مدیران گروه به کاربرانی که قانون گروه رو رعایت نمی کنند تذکر میدهند.

۴. یعنی الان مدیریت محتوا رها شده ؟

مدیریت محتوا خیلی هم رهاشده نیست ، مثلاً در بخش مناسبتی کارهای خوبی در گروه ارسال میشه مثل مناسبت های مذهبی یا ملی که چندین کاربر فعال خیلی خوب در این بخش داریم مانند

اعضا از تیم رادیو، ورود اعضای جدید و تغییر نظرات و تصمیمات، تعلیق گروه در مدتی خاص، غیرفعال شدن‌ها، بازخوردها، نظرات و تصمیمات جمعی و ... بودند که زمان انتشار را تغییر دادند. البته این تغییر مدت انتشار خوبی‌ها و بدی‌هایی داشت، یکی از خوبی‌ها این بود که تمرکز زمانی اعضای تیم بیشتر بود و بهتر میشد برنامه ریزی و زمانبندی کرد و به دلیل رسیدن به زمان خاص کار عجله‌ای تولید نمیشد و از بدی‌هاش هم همینطور که اشاره کردید نظم نداره و اگر کاربری هر ۱۴ روز منتظر برنامه بود الآن باید به اطلاعیه‌ها و اعلان‌ها نگاه کنه تا از انتشار با خبر بشه.

۱۰. گروه موازی با رادیو در سایت هست و اصلا با ایجاد گروه‌های

هم سو و هم موضوع در افسران موافق هستید؟

فکر می‌کنم کیفیت را بیشتر کنیم بهتر از این هست که صرفا به فکر کمیت باشیم، یه روز گروهی زده شد توسط یکی از دوستان خوبم در سایت راجع به موسیقی، دوستانه بهشون گفتم

تا شما عضو جمع کنید و گروه را بیارید بالا خیلی طول میکشه هر چی برنامه و هدف دارید همینجا پیاده کنید، گفتن نه ... آرمان

و اهداف ما چیز دیگری هست، متاسفانه چند ماه بعد نه تنها گروه خوابید بلکه اون دوستان هم از سایت رفتند ...

۱۱. نقد درون گروهی را در نحوه عملکرد خودتون یا

اعضاء گروه، موثر می‌دانید؟

خیلی میتونه موثر باشه، همیشه از نقد دلسوزانه همراه با راهکار ترمیم مشکل استقبال کردیم.

۱۲. اعتبار یک گروه محتوایی در فضای مجازی به چه چیزهایی

بستگی دارد؟

کمیت مطالب، کیفیت مطالب، انتشار مصالبا خارج از مجموعه، شناخته شده بودن در فضای بیرونی و درونی مجموعه و ... یک گروه میتونه روزانه ده‌ها مطلب ارسال کنه اما از نظر محتوایی ضعیف باشه اما گروهی هم هست که چند مطلب عالی منتشر میکنه و همون‌ها هم میگیرند.

۱۳. گروه‌ها، می‌توانند در بالا بردن سطح کیفی مطالب موثر باشند؟

مطمئنا نوع، تعداد اعضای فعال، تولیدکننده‌ها، مدیریت گروه و کلی‌آیتم دیگه اثر خیلی زیادی در بالا رفتن کیفیت مطالب دارد. هر چه میزان تولید محتوای مفید و تعداد اعضای فعال بیشتر باشه کیفیتها هم با توجه به دیده شدن و نقد آن‌ها بالا میرود.

۱۴. به نظر شما یک گروه محتوایی عمومی یا تخصصی چه ویژگی

هایی باید داشته باشد؟

وضع قوانین شفاف توسط مدیران گروه که انسجام اعضا و مطالب را حفظ کنه... هرازچندی جمع کردن اعضا و گوشزد کردن هدف گروه

و ارزیابی کمی و کاستی‌ها و درآوردن راه‌های پیشرفت بهتر و مجددا تنظیم دقیقتر مسیر حرکت گروه به سمت اهداف.

۱۵. آیا از میزان گسترش و انتشار مطالب گروه، بیرون از فضای افسران اطلاعی دارید؟

بله، با توجه به حیطه فعالیتیم در فضای مجازی بارها شاهد این قضیه بوده و هستیم، الحمدالله چندین کاربر خوب در سایت افسران و در گروه رادیو هستند که هفته‌ای چند کار آنها را در ویلاگ یا سایت‌هایی که کار صوتی منتشر می‌کنند مشاهده کردم.

۱۶. بازخوردی هم از برنامه‌های منتشر شده در خارج سایت داشتید؟

بله خیلی زیاد، علاوه بر محیط مجازی بارها در محیط حقیقی در شهرهای مختلف و برنامه‌های کشوری اسم سایت افسران و تولیداتی مانند نشریه و رادیو و شفق و .. را شنیدیم. در فضای مجازی در گروه‌های مختلف اجتماعی با اکانت‌های مختلف چندین بار شاهد بازنشر برنامه و بحث‌های مربوط به آنها بودم که هم جای خوشحالی داره و هم انسان به فکر میافته کار را از هر حیث تقویت کنه تا جوابگوی حجم بالای مخاطب و سلاقی مختلف باشه..



۱۷. مسئولان افسران چگونه می‌توانند در

معرفی یک گروه پویا، کمک کنند؟

از نظر فنی اگر بخواهیم به این سوال پاسخ بدیم، بخشی که الان هم در صفحه اصلی سایت مشاهده میشه تحت عنوان گروه‌ها، قبلا این طور بود که فکر میکنم گروه‌های فعال هفته‌ای به یک پروسه خاص را نشان میداد اما الان این قضیه در بعضی موارد عکس شده و مشاهده شده گروهی که یک هفته هست متولد شده وارد لیست شده! از بعد معنوی هم، مدیران میتوانند با معرفی کارهای شاخص یا لینکهای مهم کمک به سزایی به دیده شدن آنها کنند.

۱۸. اگر حرفی باقی مانده برای کاربران سایت بفرمایید.

کار گروهی هیچ‌گاه وابسته به شخص نیست، چنانچه در یک جمع و گروه اگر شخصی بنا به دلایلی از گروه خارج شد نباید کل کار روی زمین بماند، کار تشکیلاتی مستلزم برنامه ریزی و سازماندهی خاصی هست که بوسیله آن به اهداف گروه دست پیدا خواهد شد. گروه رادیو افسران یا بهتر بگم تیم عملیاتی رادیو افسران که وظیفه تولید و انتشار برنامه صوتی رادیو افسران را بر عهده دارد نیازمند همکاری تمامی دوستانی هست که در زمینه‌های مختلف می‌توانند به هر چه بهتر شدن برنامه‌های رادیوی افسران کمک کنند می‌باشد. در هر زمینه‌ای اگر مهارت خاصی دارید که فکر می‌کنید با اضافه شدنتون به سنگر رادیو افسران به بهتر شدن و تقویت این برنامه کمک خواهید کرد، دریغ نکنید و این حرکت را وظیفه خود بدانید. آماده همکاری با شما هستیم.

با تشکر از وقتی که در اختیار نشریه افسران قرار دادید.

هرکه در سینه صفا هست فرستد صلوات
 دلش از کینه جدا هست، فرستد صلوات
 هرکه خواهد نشود لال، به وقتِ مردن
 صاحبِ صوتِ رسا هست فرستد صلوات
 او که گردن بنهاده به حلال و به حرام
 بنده یِ خوبِ خدا هست، فرستد صلوات
 بنده یِ نابِ خدا دستِ یتیمان گیرد
 در پیِ جود و سخا هست، فرستد صلوات
 چو امیدش به خدا هست به بیماریِ سخت
 پس به دنبالِ شفا هست، فرستد صلوات
 شیعه یِ مرتضوی، دل به ولایت داده
 پیرو آلِ عبا هست، فرستد صلوات
 ضامنِ آهویِ دربند شد آقا، هر کس
 عاشقِ امامِ رضا هست، فرستد صلوات
 کشتگاه است جهان بهر قیامت، آنکه
 اعتقادش به جزا هست، فرستد صلوات
 عاشقِ نامِ حسین است، ز مظلومی او
 دردش شور و نوا هست فرستد صلوات
 واجباتش سر جا، بهر رضای دادار
 مستحبش به خفا هست، فرستد صلوات
 شَود آرام دل از ذکرِ خداوندِ کریم
 هرگسی به هر کجا هست فرستد صلوات

soleiman

عمر بی حاصل یقینم می زدود
 در دم دیوار شگئی شد بنا
 سهم من از بخشش روزی چه شد؟
 من که روزان و شبان گویم خدا
 نان جو تقدیر من شد از بهشت
 پس چرا دستی برآرم بر دعا؟
 بر خیالاتم زمانه می گذشت
 تا عباداتم بشد کم کم قضا
 مدتی را در جهنم بودم و
 شاکی از آنچه که می خواندم جفا
 تا که روزی آیه ای آمد به گوش
 راز و رمز سختی ام شد بر ملا
 عدل و انصاف خدا پاینده است
 لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى*
 * بخشی از آیه ۳۹ سوره نجم

ostadnovin

چندی است که بغضی به دم سخت نشسته
 آن قاب که تصویر تو را داشت شکسته
 هر چند تو رفتی دل من مثل همیشه
 زانو زده یک گوشه و آرام نشسته
 ای کاش بیایی و کنارم بنشینی
 امید حیاتم به قدم های تو بسته
 چشمان تو صیاد، منم صیدِ پریشان
 افتاده به دامت دل بیچاره و خسته
 رفتم غزلی باز برایت بسرایم
 اما چه کنم رشته ی افکار گسسته
 پایان بده دیگر به زمستان سیاهم
 با آمدنت می شود این عید، خجسته

rasoul۶۹

اول سال سالکان

ارسال کننده: parandetarin

عده ای اول سالشان فروردین است که تلاش می کنند لباس نو در بر کنند، مثل درخت ها که اول سالشان فروردین است و لباس های نو و تازه به تن می کنند. اول سال یک کشاورز، اول پاییز است که درآمد مزرعه را حساب می کند. تاجری که کارگاه تولیدی دارد، اول سال را در فرصت دیگری تعیین می کند ولی آن ها که اهل سیر و سلوک اند، اول سالشان ماه مبارک رمضان است. آنها به حساب رسی خود می پردازند که ماه رمضان گذشته، چه درجه ای از معنویت داشته و امسال چه درجه ای دارند؟ ماه مبارک رمضان، برای سالکان کوی دوست، ماه محاسبه است...

بنده در ماه مبارک رمضان از لحاظ زمان مهمان خدا است؛ در سرزمین وحی از نظر مکان مهمان خدا است. اما به ما گفتند که شما هم مهمانی بدهید.

مضایفه بهتر از ضیف یکجانبه است؛ شما هم خدا را مهمان کنید.

اما خدا مهمان ما باشد یعنی چه؟ ما چه داریم که او را مهمان کنیم، یک؛ و چه وقت او مهمان ما می شود، دو. این را در حدیث قدسی که آمده است «انا عند المنکسرة قلوبهم»؛ یعنی خدای سبحان مهمان دل های شکسته است و آن انکسار را آن فقر را آن خضوع را آن خشوع را آن بندگی خالص را خدا می پذیرد. این «انا عند المنکسرة قلوبهم» جزء مصادیق مهمان شدن خدا نسبت به دلها است.

آیت الله جوادی آملی



هر بار تابستانی ترش می‌کند،
معشوقی که هوس عشقی آتشین تر از قبل
کرده است.

خوب میدانند در عشق لیلایی که مجنون
ترینی چون حسین دارد، هرچقدر هم سر
به بیابان تشنگی بگذارد ناچیزترین است
امسال را خوب ببین؛

خماری عشق چشمانم و خشکی بیکراری
لب‌هایم را

از آن بالاترین‌هایت
از لای انگشتان دست‌هایی که دست‌هایت
را می‌خواهند...

دوست دارم امسال من را با فخر به
فرشته‌هایت نشان دهی،

دارم نیت می‌کنم
یک ماه جنون، قربت الی الله

نویسنده: msabpeykar